

## مسائل اخلاقی در مشاوره اسلامی در رابطه با مراجعان

احمد امامی راد\*

### چکیده

این پژوهش درصدد بررسی مسائل اخلاقی است که مشاور اسلامی باید در رابطه با مراجعان رعایت نماید. این پژوهش اسنادی، با بررسی آیات و روایات ناظر به این موضوع، به مسائل اخلاقی زیر در رابطه مشاور با مراجعان دست یافته است: تکریم مراجع، خوش‌گفتاری و خوش‌برخوردی، توجه کامل به مراجع و درک کامل وی، عدم سلب اختیار و آزادی مراجع، رازداری، عدم مشاوره با دشمن، خیانت نکردن به مراجع، نصیحت و خیرخواهی، صمیمیت و مهربانی، ایجاد و حفظ شادابی در مشاوره، جرئت و عدم ترس، ارائه مشاوره عمیق، حق‌مداری، عدم تبعیض، توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد، وفای به عهد، مدارا با مراجع و نادیده گرفتن اشتباه‌های او، تواضع و دوری از تکبر، رعایت حیا و عفاف و دوری از شهوت‌پرستی، در نظر گرفتن مصلحت مراجع، دوری از لجباجت و بحث‌های بی‌ثمر، ارجاع مراجع در صورت عدم توانایی، عدم سوءاستفاده از موقعیت حرفه‌ای خود و مراجع، ارائه آگاهی‌های لازم، رابطه با خانواده مراجع، عدم انتقال نارسایی‌های شخصی خود به مراجع، و انتخاب همکاران و کارکنان باصلاحیت در مرکز مشاوره.

کلیدواژه‌ها: مشاور، مشاوره، مشاوره اسلامی، مسائل اخلاقی، مراجع.

## مقدمه

زیانش بر مشورت خواه بیش از سودش باشد» (همان، ص ۲۲).  
با توجه به نکات فوق، رعایت مسائل اخلاقی در مشاوره از مهم‌ترین ضروریات این عرصه یاری‌رسان می‌باشد.

در این زمینه کتاب‌های فراوانی تدوین شده است که مهم‌ترین کتاب منسجم که منحصراً در این زمینه چاپ شده است، کتاب **اخلاق در مشاوره و روان‌شناسی** اثر سیمین حسینیان است. این کتاب دربردارنده موضوعات اخلاقی مهم همچون: رازداری، پرهیز از رابطه دوگانه، حقوق مراجعان، صلاحیت مشاور، آموزش مشاور و غیره بوده است. **فقیهی (۱۳۸۷)**، **پناهی (۱۳۸۷)**، **احمدی (۱۳۸۷)**، **فرهادی (۱۳۸۶)** و **گودرزی (۱۳۷۹)** نیز به این مباحث اشاراتی داشته‌اند. مسائل اخلاقی در مشاوره در سه حیطه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد: مسائل اخلاقی خود مشاور، مسائل اخلاقی در رابطه با مراجعان، مسائل اخلاقی در رابطه با سایر همکاران و متخصصان. بدیهی است که با توجه به ماهیت این شغل، مسائل اخلاقی در رابطه با مراجعان بسیار مهم می‌باشد و در متون اسلامی در این رابطه الزامات اخلاقی و توصیه‌های فراوانی وجود دارد.

درواقع، مقاله حاضر درصدد پاسخ‌گویی به مسائل اخلاقی است که مشاور بایستی نسبت به مراجع رعایت کند. در این زمینه، چگونگی و کیفیت رعایت این مسائل نیز مورد توجه هستند.

### مسائل اخلاقی در مشاوره اسلامی در رابطه با مراجعان

بسیاری از مسائل اخلاقی که در مشاوره از آن یاد می‌شود، مسائلی می‌باشند که در رابطه مشاور با مراجعان، کارآموزان و زیردستان مطرح هستند. هرچند این امور رابطه تنگاتنگی

با توجه به هدایت، رشد (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۵۸۴) و پشتیبانی قوی که از طریق مشاوره حاصل می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۹۵)، خداوند این امر را از اوصاف مؤمنان دانسته (شوری: ۳۸) و با امر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به مشاوره با مسلمانان چنین می‌فرماید: «در کارها با ایشان مشورت کن» (آل عمران: ۱۵۹). مشاوره آن قدر مورد اهتمام اسلام می‌باشد که امام صادق علیه السلام به طور مطلق می‌فرماید: «هیچ کس از مشورت به هلاکت نمی‌افتد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۲، ص ۱۰۱). همچنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام مشاوره را عین هدایت دانسته (همان، ص ۱۰۴) و مشورت‌کننده را در راه رستگاری (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۲) و مصون از اشتباه و لغزش می‌داند (همان).

از سویی دیگر، کسانی که مشاوره را ترک می‌نمایند، مورد ملامت شدید قرار گرفته‌اند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «هر کس استبداد به رأی داشته باشد، هلاک می‌شود و کسی که با افراد بزرگ و صاحب اندیشه مشورت کند، در عقل آنان شریک می‌گردد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۴۰).

اما با مراجعه به عقل و متون اسلامی این امر معلوم می‌گردد که چنین جایگاه والایی را برای هر مشاوره و مشاوره نمی‌توان در نظر گرفت؛ مشاوره که به مسائل اخلاق اسلامی پایبند نبوده و به محرمات الهی و خیانت به مراجع اقدام نماید، مستحق ثواب اخروی نمی‌باشد و از جایگاه‌های ذکرشده برخوردار نیست. مشاوره با چنین شخصی نه تنها مورد ترغیب دین نمی‌باشد، بلکه امام صادق علیه السلام عدم مشاوره با چنین اشخاصی را از مشاوره با آنها بهتر می‌داند و می‌فرماید: «مشورت شایسته نیست مگر با شرایط آن و هر که آنها را بداند خوب است، وگرنه

البته لازم به ذکر است که منظور از توجه مثبت به افراد و پذیرش آنها و تکریم و احترامشان، قبول همه ارزش‌های آنان و هم‌نوا شدن با کارها و روحیات مراجعان نیست، بلکه مقصود نگاه مثبت از یک سو و مدارا با او از سوی دیگر و احترام به کرامت انسانی فرد است.

### ۲. خوش‌گفتاری و خوش‌برخوردی

مشاور اسلامی با احترام گذاشتن به کرامت انسانی افراد، در عمل نیز به خوش‌برخوردی و خوش‌گفتاری نسبت به او اقدام می‌نماید. این امر که از عطوفت و شرافت شخص برمی‌خیزد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۱)، باعث جلب محبت و نفوذ در دل‌ها می‌گردد. امیرالمؤمنین علیه السلام به این اثر چنین اشاره دارد: «نیکویی مصاحبت محبت قلب‌ها را زیاد می‌کند.»

### ۳. توجه کامل به مراجع و درک کامل او

مرحله اول برای درمان مشکل، درک آن مشکل می‌باشد؛ این امر بدون توجه کامل تمام‌جانبه به گوینده و بررسی مسائل از زوایای گوناگون میسر نمی‌گردد. توجه کامل به مراجع و نیز درک او، شامل درک مراجع، مشکل و موقعیت او، از جمله موقعیت مالی‌اش، می‌شود. **الف. توجه به مراجع و درک مشکل او:** عبداللّه بن عباس به نقل از پدرش می‌گوید: «با کسی که سرگرم کاری است مشورت نکن، اگرچه حاذق (ماهر) باشد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۴۴۹).

مشغول بودن به کار دیگر و عدم توجه به مراجع باعث غفلت از گوینده می‌گردد؛ این امر درحالی است که توجه کامل به گوینده، علاوه بر توجه کامل شنوایی، نیاز به توجه تمام‌جانبه برای درک پیام‌های غیرگفتاری دارد. در صورتی که مشاور به مراجع توجه نداشته باشد، حتی در

با مسائل اخلاقی خود مشاور دارند، اما نمود خارجی اخلاق در این حرفه در رابطه با مراجعان می‌باشد. در ذیل، به برخی از این مسائل اخلاقی اشاره می‌شود:

### ۱. تکریم و احترام مراجع

در پی توجه به کرامت انسانی که اسلام بدان تأکید دارد (اسراء: ۷۰)، تکریم عملی و احترام به مراجع مورد اهتمام قرار می‌گیرد.

در اشاره به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نوع برخورد با مراجعانشان چنین آمده است: «کسی که خدمت آن حضرت وارد می‌شد، حضرت تشک زیر پای خود را به او می‌داد و اگر آن شخص می‌خواست قبول نکند، اصرار می‌فرمود تا بپذیرد» (فلسفی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۴۱۹). احترام به دیگران آن قدر مهم است که این امر در کلام امام صادق علیه السلام احترام به خداوند تلقی شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۰۶).

تکریم و احترام به مراجع در مورد برادران دینی و حتی غیرمسلمانان نیز لازم است. امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام فرستادن مالک اشتر به فرمانداری کوفه، در توصیه‌های خود به او چنین می‌گوید: «مهربانی برای مردم و دوستی و نیکی به سوی آنان را به دلت بیاموز و بر آنان درنده زیان‌رساننده نباش که خوردن آنان را غنیمت شماری؛ زیرا که مردم دو صنفند: یا برادر دینی تواند یا در آفرینش مانند تو هستند» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۲۶).

بنابراین، بر مشاور اسلامی لازم است به مراجع مسلمان و غیرمسلمان، خوب و بد، بهنجار و نابهنجار، توجه مثبت داشته و با خوش‌حلقی نسبت به او، علاوه بر یاری‌رسانی، لزوم احترام مسلمانان به دیگران را به صورت عملی نشان دهد.

ضروریات درمانی است که نمی‌توان انکار کرد، اما آنچه در نظر مشاور اسلامی مورد تأکید می‌باشد، محوریت «یاری‌رسانی» است و حق‌الزحمه به‌عنوان وسیله نگریسته می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «برآوردن حاجت مؤمن بهتر است از هزار حج مقبول با همه اعمالش» (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۲۳۷).

مشاور اسلامی بدین نکته توجه دارد که روزی‌رسان خداست و در صورتی‌که مراجعی نیاز به مشاوره داشته باشد، اما از لحاظ مادی، از وسعت کافی برای ارائه حق‌الزحمه برخوردار نباشد، این امر مشاور را از یاری‌رسانی به او باز نمی‌دارد و با کمک به مراجع، برکت را از خداوند دریافت می‌دارد؛ چنان‌که خداوند کریم در قرآن کریم می‌فرماید: «کلیدهای آسمان‌ها و زمین از آن اوست. در روزی هر که بخواهد گشایش می‌دهد یا تنگ می‌گیرد، و او به هر چیزی داناست» (شوری: ۱۲).

مشاور اسلامی به مراجعی که از قدرت مالی کافی برای پرداخت حق‌الزحمه برخوردار نیست، ارائه خدمات می‌دهد و با انجام این امر و تکلیف الهی، علاوه بر کسب آرامش روانی خود و مراجع، برکت را از خداوند می‌خواهد و چه بسا سود بیشتری برایش حاصل گردد؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است» (طه: ۱۳۱).

#### ۴. عدم سلب اختیار و آزادی مراجع

امام سجاد علیه السلام در شمارش حقوق مشاور بر مراجع، به این نکته اشاره می‌کند: «تو (مراجع) در اخذ به رأی مشاور اختیار داری» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۱، ص ۱۹).

در اسلام، موضوع اختیار انسان بسیار مورد تأکید قرار گرفته و جبرگرایی نفی گردیده است. از این‌روست که خداوند انسان را در انتخاب راه هدایت و ضلالت، آزاد

صورت ماهر بودنش، مراجع و مسائل او را به‌طور کامل درک نخواهد کرد. چه بسا این عدم درک، منجر به ارائه راهکار درمانی برخلاف مصلحت واقعی او گردد؛ در این صورت، هرچند مشاور در ارائه راهکار هیچ اهمالی نکرده باشد، ارائه راهکار نامناسب که از عدم توجه کامل او به مراجع ناشی می‌شود، خود عملی غیراخلاقی محسوب شده و ضمان‌آور خواهد بود.

همچنین کسی که اشتغال ذهنی زیادی دارد و در اثر آن اشتغال‌ها در مشاوره به‌جای تمرکز کامل و تمام‌جانبه به مراجع و مشکلاتش، ذهن خود را پراکنده می‌سازد، مشمول این حدیث بوده و بهتر است از مشورت با او اجتناب نمود. امام صادق علیه السلام از لقمان نقل می‌کند: «هر کس خود را برای نصیحت و راهنمایی مراجعه‌کنندگان کاملاً آماده‌نماید، خداوند رأی و فکر صحیح را از او سلب کرده و امانت عقل و اندیشه را از او می‌گیرد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۴۸).

مشاور اسلامی با توجه کامل به مراجع و درک واقعی او، مشکل او را همچون مشکل خود قلمداد کرده و در رفع آن نهایت تلاش را خواهد نمود.

لزوم توجه و درک مراجع در مشاوره گروهی نیز لازم است؛ به‌گونه‌ای که مشاور باید توجه به تمام افراد گروه داشته باشد و عده‌ای از آنها مورد غفلت وی نباشد. چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای حفظ احترام تمام مردم، در مجالس عمومی نگاه‌های مودت‌آمیز خود را به‌صورت مساوی متوجه همه حاضران می‌کردند (فلسفی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۴۲۰).

ب. درک موقعیت مالی مراجع و رعایت آن: مشاور به‌عنوان شخصی که برای کمک به مراجع گام نهاده و خواستار یاری‌رسانی به اوست، معیارهای مادی را تنها ملاک این شغل ارزشمند نمی‌داند و ارزش معنوی آن را بیش از ارزش مادی برمی‌شمارد. البته این امر به‌معنای عدم اخذ حق‌الزحمه از مراجع نیست؛ اخذ حق‌الزحمه از مراجع از

طرح مطالب هر فرد با انتخاب و تصمیم خودش است. هر فرد هنگامی که در خودش آمادگی ببیند، مطلب خود را بیان می‌کند و نباید مشاور، اصراری بر آن داشته باشد تا مراجع تصور کند که آزادی‌اش از او سلب شده است. مراجع، صاحب اختیار احساسات خویش است. مشاور باید حق بیان عواطف و احساسات را به وی داده و عواطف مخصوص به او را محترم بشمارد.

فرد، آزاد است تا برای مشکلش، خود راه‌حل مناسبی پیدا کند و مشاور، با عدم تحمیل راه‌حل خاص، مراجع را راهنمایی می‌نماید تا خود او به راه‌حل مناسب رسیده، آن را برگزیند، تصمیم بگیرد و عمل نماید.

#### ۵. رازداری

امام صادق علیه السلام یکی از شرایط چهارگانه مشاور را «رازداری» برشمرده و می‌فرماید: «رازت را به او بگویی که چون خودت آن را بداند و آن را نهدان دارد» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۴۲).

در متون اسلامی، به «رازداری»، به‌عنوان رکن اساسی مشاوره، اهمیت فراوانی داده شده و فاش نکردن اسرار خود و دیگران، یکی از اصول اخلاقی و تربیتی به‌شمار می‌آید. از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: «کسی که مورد مشورت قرار گرفته، امانت‌دار است» (همان، ص ۴۳). این حدیث شریف با جمله اسمیه وارد شده و رساننده تأکید بیشتر در لزوم امانت‌داری مؤمن است. مهم‌ترین مصداق این امانت‌داری در مشاوره، امانت‌داری رازهای مراجع است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «پیروزی و رسیدن به هدف از راه تدبیر و تأمل است و تدبیر و تأمل هم با به‌کار بردن فکر است و فکر خوب هم با نگره‌داشتن

گذاشته است. قرآن کریم با وجود دل‌سوزی نسبت به هدایت تمام انسان‌ها و تأکید بر این امر، به این نکته اشاره دارد که «همانا ما راه را به او (انسان) نشان داده‌ایم؛ یا سپاس‌گزار باشد یا ناسپاس» (انسان: ۳). یعنی آنچه خداوند بدان اهتمام ورزیده، «نشان دادن آشکار راه» می‌باشد؛ حال انسان اختیار دارد که شاکر بوده و به این راه تمسک جوید و یا اینکه ناسپاس بوده و از این راه دوری جوید.

پس یکی از اصولی که باید مبنای مشاوره قرار گیرد این است که به موضوع اختیار مراجعه‌کننده و لوازم آن توجه شود. این اختیار در پی سفارش خداوند به مشورت نیز آمده است: «در کارها با مردم مشورت کن و هنگامی که قصد کاری کنی، بر خدا توکل کن که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد» (آل‌عمران: ۱۵۹). در این آیه شریفه با وجود امر به مشورت، عمل بر طبق آن را لازم ندانسته و پیامبر را در این امر مختار می‌داند.

در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز چنین آمده است: «همانا برای دل‌های آدمی علاقه‌ها و کشش‌ها و بی‌رغبتی‌هاست، پس از راه تمایلش او را به کار وادارید؛ زیرا هنگامی که قلب آدمی به آنچه دوست ندارد واداشته شود، کور می‌گردد» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۰۳). این حدیث، به یکی از آثار اجبار اشاره دارد و آن عبارت است از: کوری دل نسبت به آنچه مورد اجبار واقع می‌شود.

منظور از «اصل آزادی و اختیار در مشاوره و راهنمایی» این است که فرد در رجوع به مشاور و شرکت در مشاوره، آزاد است و نباید به شرکت در جلسه مشاوره و راهنمایی مجبور شده و یا مشاور خاصی بر او تحمیل گردد. در مشاوره، به هیچ‌وجه، فرد به کاری مجبور نشود و هدایت و راهنمایی به گونه‌ای صورت نگیرد که شخص ناچار گردد از روی اضطراب به کاری دست زند.

اسرار است» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷۷).  
 با نگاه به ادله شرعی، به این امر واقف می‌شویم که نگاه داشتن اسرار خود و بازگو نمودن آن برای دیگران در اسلام مورد تأکید بوده و امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «سینه عاقل صندوق سر اوست» (همان، ص ۴۶۹).  
 از این رو، اصل اولی در اسلام پنهان نگه داشتن راز است و اینکه اسرار برای مشاور فاش می‌گردد، به خاطر ضرورت ثانوی، به منظور درمان مشکلات، می‌باشد. پس در صورتی که مراجعی برای درمان به خودافشاسازی می‌پردازد، مشاور اسلامی تکلیف دوچندان در اهتمام به «رازداری» نسبت به او دارد. چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن توصیه‌های اخلاقی و حکومتی به مالک اشتر، تکلیف دوچندان او را که در موقعیت خاص قرار دارد، در مورد رازداری اسرار مردم متذکر می‌شود (همان، ص ۴۲۹).  
 اکنون با اشاره به آثار نامطلوبی که عدم رازداری در فرایند مشاوره بر جای می‌گذارد، متوجه اهمیت اهتمام به رازداری می‌شویم.

مشاوره برای یافتن راه صحیح برای حل مسائل مراجع است و شخصی که با انسان سر عناد و دشمنی دارد، مصلحت وی را در نظر نگرفته و راه صلاح را به او نشان نمی‌دهد. همچنین با توجه به اینکه برخی از اسرار انسان برای مشاور آشکار می‌گردد، امکان سوءاستفاده از این اطلاعات هنگام مشاوره و بعد از آن توسط این دشمن مشاور وجود دارد.  
 از این رو، بر مراجع لازم است که دشمن خود را برای مشاوره انتخاب نکند و در صورتی که مراجع چنین کرد و مشاور در درون خود استمرار دشمنی را نسبت به او یافت، باید او را به مشاور دیگری ارجاع داده و خود و مراجع را از عواقب چنین مشاوره‌ای محفوظ دارد؛ نه اینکه مشاوره را فرصتی به‌شمار آورده و به مراجع ضربه وارد سازد. البته در صورتی که مشاور با انگیزه‌هایی همچون انگیزه الهی، بر دشمنی خود چیره شده و با تمام وجود دشمنی مراجع را از دل خود بیرون راند، می‌تواند به مشاوره با او بپردازد.

پیامدهای عدم رعایت رازداری در فرایند مشاوره: نقض رازداری در مشاوره آثار نامطلوب فراوانی دارد که برخی از آنها به قرار زیر می‌باشد:

- تباهی کارها و نرسیدن به نتیجه مطلوب (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۱۹)؛  
 - از بین رفتن اعتماد در اثر خیانت در امانت (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۳۸۹).  
 - ریختن آبروی مراجع (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۲، ص ۷۱).

**۶. عدم مشاوره با دشمن**  
 امیرالمؤمنین علیه السلام در لزوم عدم مشاوره با دشمن چنین می‌فرمایند: «با دشمن خود مشاوره نکن و احوال خود را از او مخفی بدار» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۲).

#### ۷. عدم خیانت به مراجع و التزام به امانت‌داری نسبت به او

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره نتیجه خیانت به مشورت‌کننده چنین فرموده است: «خیانت کردن به مستسلم (کسی که اطاعت‌کننده و مُتفاد است) و مُستشیر (مشورت‌کننده) از شنیع‌ترین چیزها و بزرگ‌ترین بدی‌ها و موجب عذاب آتش افروخته است» (همان، ص ۴۴۳). همچنین در حدیث دیگری می‌فرمایند: «هرکس با مسلمانان در مشورت دغلی کند، از او بیزارم» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۲، ص ۹۹).

خیانت دامنه وسیعی دارد و می‌تواند در قلب، گفتار و یا کردار فرد تجلی یابد. با توجه به معنا لغوی خیانت

### ۸. نصیحت و خیرخواهی

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای به محمد بن ابی بکر چنین می‌نویسد: «کسی را که با تو مشورت می‌کند، نصیحت کن» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۲، ص ۹۹).

نصیحت و خیرخواهی در متون دینی با واژه‌هایی همچون «نُصَح» و «نُصِيحَة» استعمال شده است که در معنای آن علاوه بر خیرخواهی و پند، نوعی «اخلاص» نیز آمیخته شده است (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۱۷؛ ابن منظور، ۱۳۰۰ق، ج ۲، ص ۶۱۶).

طریحی پس از بررسی معانی نصیحت در کاربردهای مختلف، به این نکته اشاره دارد که «نصیحت قبیح و بد نیست، لکن چه‌بسا شنونده آن را ناپسند می‌شمارد و این امر به خاطر سختی آن برای شنونده است.» این نکته با آنچه ابن فارس، مبنی بر معنای «اصلاح» آورده است، مطابقت دارد (ابن فارس، ۱۳۸۷، ص ۹۵۵).

خلاصه آنکه نصیحت و خیرخواهی به هم‌نوعان، به‌ویژه مسلمانان، در فرهنگ اسلامی از اهمیت و جایگاه قابل توجهی برخوردار بوده و در دستورات اخلاقی اسلام به آن سفارش و تأکید فراوان شده است. در آموزه‌های دینی توصیه شده که افراد جامعه انسانی و اسلامی غمخوار همدیگر بوده، آنان را به صلاح و خیر دعوت کنند. از این رو، به‌رغم معنای تحمیلی که از واژه «نصیحت» در ابتدای شنیدن آن به ذهن می‌آید، در متون اسلامی معنا و مفهومی نیکو برای این کلمه و مترادف‌های آن ذکر گردیده و نه تنها توصیه فراوان بدان شده، بلکه ترک‌کننده نصیحت مورد مذمت قرار گرفته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۱، ص ۲۱۳).

آری، اگر اصول نصیحت و خیرخواهی رعایت

(راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۰۵) و نیز حدیث شریفی از امام صادق علیه السلام که امانت را در مقابل خیانت قرار می‌دهد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۰)، در باب لزوم امانت‌داری و دوری از خیانت می‌توان گفت: اسلام آن‌قدر به این امر اهمیت داده است که در زمینه ضرورت امانت‌داری چنین می‌فرماید: «نتیجه دین‌داری امانت است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۸۶). همچنین خیانت، نوعی فریب‌کاری (همان، ص ۴۶۰) و از زشت‌ترین خوی‌ها (همان) و منافی با حقوق برادری شمرده شده است (همان، ص ۴۱۹)؛ علاوه بر آنکه ثمره این کار، عذاب آتش جهنم می‌باشد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۳۸).

**مصادیق خیانت در مشاوره و لزوم اجتناب از آنها:** خیانت در مشاوره می‌تواند مصادیق گوناگونی داشته باشد که باید از آنها اجتناب نمود. امکان ابتلای به برخی از این خیانت‌ها در فرایند مشاوره بیشتر است. از آن جمله، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عدم خیانت در فاش کردن سرّ مراجع (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۳۹۸).

- عدم خیانت در ارائه راه‌کاری که با واقعیت تطابق نداشته یا به مصلحت مراجع نباشد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۶۶).

- عدم خیانت با اخذ حق الزحمه بیشتر از حد از مراجع. همچنین دروغ‌گویی، و تبلیغات سوء و نادرست مشاور برای کار خود می‌تواند یک نوع خیانت محسوب شود. همان‌گونه که سوءاستفاده جنسی، عدم صلاحیت علمی لازم مشاور و ارجاع ندادن مراجع به متخصص هنگام عدم توانایی ارائه خدمات، رهاکردن مراجع وقتی هنوز به کمک ما نیازمند است، و مواردی از این قبیل، نوعی خیانت محسوب می‌شود.

### ۹. صمیمیت و مهربانی

محبت و صمیمیت مشاور و مراجع، به‌عنوان یکی از ارکان مهم مشاوره مورد اهتمام ویژه اسلام بوده و امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «شرط سوم مشاور آن است که یار و برادر باشد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۴۳). کلمه «صدیق» صفت مشبهه است و دلالت بر تأکید بیشتر و استمرار در دوستی دارد؛ یعنی مشاورى انتخاب می‌شود که دوستی و صمیمیت زیادی داشته باشد. امام صادق علیه السلام در ادامه این حدیث در سر این شرط برای مشاور می‌فرماید: «اگر دوست و برادر باشد، زمانی که راز تو بر او آشکار شد، پنهان می‌دارد» (همان). مشاهده می‌شود که دوستی و صمیمیت قلبی در نگاه داشتن راز نیز مؤثر است.

بدیهی است که این مسئله اخلاقی، بخصوص در رابطه با مراجع نامحرم، مقید به حدود و قیود اسلامی است.

### ۱۰. ایجاد و حفظ شادابی در مشاوره

مشاوره از مهم‌ترین شغل‌هایی است که «شادابی» مشاور در آن نقش بسزایی دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان اظهار داشت: شادابی، نقش درمانی فراوانی در شروع، فرایند و اتمام مشاوره ایفا می‌کند.

این امر در روایات اسلامی نیز مورد اهتمام می‌باشد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بر توست که احتراز کنی از کاهلی و اضطراب در قول که آنها کلید هر شرنده؛ زیرا که اگر کاهلی پیشه کردی، نمی‌توانی ادای حق کنی» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۱۸۷). امام باقر علیه السلام اثر کاهلی را عدم توانایی ادای حق برمی‌شمارد؛ حقی که در مشاوره باید هدف مشاور و مراجع باشد.

به خاطر اجتناب از کاهلی است که دین مقدس اسلام سفارش‌های زیادی به حفظ شادابی و ارتباط بهینه مؤمنان

نگردد، مذموم خواهد بود. برای مثال، امام سجاده علیه السلام در زمینه افراط در نصیحت می‌فرماید: «زیادی نصیحت به تهمت زدگی منجر می‌شود» (همان، ج ۷۲، ص ۶۶).

احادیث دیگری نیز در این مضمون وارد شده است. اما در باب مشاوره می‌توان علاوه بر احادیث ذکر شده در اول بحث، به حدیث زیر اشاره نمود:

امام صادق علیه السلام یکی از شرایط پنج‌گانه مشاور را «ناصح بودن» می‌داند و می‌فرماید: «در امور خود که لازمه دین‌داری است با کسی مشورت کن که پنج خصلت دارد: عقل و بردباری و تجربه و نصیحت و تقوا» (همان، ج ۷۲، ص ۱۰۳).

نصیحت و خیرخواهی، گستره وسیعی دارد و هرگونه گفتار و کردار خیرخواهانه را دربر می‌گیرد. ممکن است ناصح براساس تشخیص، گاهی از زبان انتقاد و گاهی از زبان تعریف و تمجید، برای رفع مشکل مراجع یا مخاطب استفاده کند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام انتقادات و اعتراض‌های خود را نسبت به معاویه «نصیحت» قلمداد می‌نماید

(نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۶). گاهی ممکن است نظر نصیحت‌کننده برای نصیحت‌شونده خوشایند نباشد.

از این رو، ناصح نباید فقط خوشایندی نصیحت‌شونده را در نظر بگیرد، بلکه با توجه به مصالح واقعی او درصدد توجیه عقلانی نصایح برآمده و آنها را به گونه‌های مختلف

به مراجع انتقال دهد؛ همچنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «برای برادرت نصیحت را خالص گردان، چه در نزد و تصور او نیکو باشد و یا زشت» (همان، ص ۴۰۳).

نیز در حدیثی از امام صادق علیه السلام وارد شده است: «از خدا بترس که با دلخواه مشورت خواه موافقت کنی که آن نامردی است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۲، ص ۱۰۴).

خلاصه آنکه نصیحت و خیرخواهی مشاور نسبت به مراجعان از مسائل اخلاقی مهم در این حیطه به‌شمار می‌آید.



است که نیازمند به کمک می‌باشد، مشاور باید در تمام مراحل مشاوره این هدف را در نظر گرفته، جرئت ارائه راه‌حل‌هایی که برای مشاور یا مراجع سخت است، ولی به صلاح اوست، داشته باشد و در این راه، جرئت عملی کمک به مراجع را نیز دارا باشد.

در سفارش‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «با ترسو مشورت نکن که اراده خروج را بر تو تنگ می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۰، ص ۳۰۴).

مشاور در صورتی که راه‌کاری را به صلاح مراجع تشخیص داد، ترس از عواقب گفتن این امر، او را از این کار منصرف نخواهد کرد. آری، اگر راه‌کاری در زمان یا مکان یا موقعیت خاص به صلاح مراجع نیست، این راهکار ارائه نخواهد شد؛ آنچه مورد مذمت است، این امر می‌باشد که ارائه راهکار با تمامی قیود لازم به صلاح او باشد و مشاور از ترس، به این امر مبادرت نرزد.

#### ۱۲. ارائه مشاوره عمیق

پشتوانه عمیق در کارها بر اتقان و استحکام آن خواهد افزود. اسلام به سعی و عمیق بودن در تمام کارها، از جمله مشاوره، توصیه کرده است. در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «بر مشاور لازم است که سعی کامل و عمق در رأی دادن داشته باشد و بر عهده او ضمانت در پیروزی نیست» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۳).

در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «اگر از تو مشورت کنند، فکرت را به کار بر و تا فکر نکرده‌ای و بر یک رأی ثابت قدم نشده‌ای تصمیم‌گیر و اقدام نکن و جواب مشورت را نگو تا برخی‌زی و بنشین و بخوری و بخوابی و نماز بگزاری و در این مدت درباره امر مورد مشورت فکر و دانش خود را به کار ببری، که هر کس

نموده است (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۶۳).

مشاور اسلامی نیز سزاوار است نسبت به مراجع خوش‌رویی داشته باشد و در صورت نامحرم نبودن وی و مصالح ثانوی، دست دادن با او را هم به منظور ایجاد الفت بیشتر مدنظر قرار دهد. امام صادق علیه السلام در اشاره به این کار و اثرش می‌فرماید: «به‌راستی وقتی دو مؤمن با همدیگر ملاقات کنند و به هم دست دهند، خدا - عزوجل - رحمت بر آنها فرود آرد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۳، ص ۲۹). ایشان در ادامه این حدیث می‌فرماید: «او نود و نه (درصد) از آن رحمت برای پرمحبت‌تر آنها نسبت به دوستش است» (همان). ملاحظه می‌گردد که معیار نزول رحمت در این مصافحه نیز، مقدار محبت قلبی نسبت به مؤمن دیگر است.

درواقع، محبت و مهرورزی افراد به یکدیگر، هم روحیه سخت و خشن آنان را تعدیل می‌کند و هم رابطه قلبی عمیقی را در بینشان به وجود می‌آورد. این رابطه موجب می‌شود شریک و پشتیبان و فریادرس هم بوده، در برابر گرفتاری‌ها و دشواری‌ها محکم و استوار بایستند. از این رو، قرآن کریم رابطه محبت‌آمیز مؤمنان را مورد تأکید قرار داده است (فتح: ۲۹).

بدیهی است که این مسئله اخلاقی نیز، بخصوص در رابطه با مراجع نامحرم، مقید به حدود و قیود اسلامی است.

#### ۱۱. جرئت و عدم ترس

امیرالمؤمنین علیه السلام در سفارش‌های خود به مالک اشتر می‌فرمایند: «انسان ترسو را مشاور قرار نده؛ زیرا تو را در پرداختن به امور تضعیف نموده و امور کوچک را برای تو بزرگ جلوه می‌دهد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۴۲). با توجه به اینکه هدف مشاور یاری‌رسانی به مراجعی

لغزش‌ها و رفتارهای نابهنجار مصون داشته و نوعی پشت‌گرمی است (همان، ص ۵۸).

### ۱۳. حق‌مداری

مشاور اسلامی به‌عنوان شخص مسلمان، «حقیقت‌خواه» بوده و در همه امور معیار را «حقیقت» قرار می‌دهد. امام صادق علیه السلام دور شدن از حق‌مداری در مشاوره و پیش‌رفتن بر طبق هوای مراجع را خلاف تقوای الهی و نامردی می‌داند و می‌فرماید: «از خدا بترس که با دل‌خواه مشورت‌خواه موافقت کنی که آن نامردی است. بد شنیدن از او خیانت است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۲، ص ۱۰۴). این امر بدین معناست که مشاور باید مراقب باشد تا به خاطر همراهی و هم‌فکری با مراجع، حقیقت را زیر پای نگذارد. البته «حقیقت‌محوری» به معنای خشکی و دور شدن از انعطاف و در نظر گرفتن معیارهای خشک در ذهن و عمل بر طبق آن نیست، بلکه چنان‌که امام صادق علیه السلام در ادامه همین روایت متذکر شده است، باید به صورت تمام و کمال به سخنان مراجع گوش داد؛ به‌طور کامل او را درک کرد و سپس حقیقت را مشخص ساخته و بر طبق آن مشاوره داد؛ نه اینکه حقیقت چیز نوشته‌شده قبلی و جدای از مراجع و حالات فعلی او باشد. چه‌بسا با گوش دادن کامل به مراجع و درک کامل او، به حقیقتی متناسب و منطبق با وضعیت فعلی او پی برد که در صورت عدم درک کامل وی، نتوان به آن حقیقت رسید؛ از این‌روست که حضرت بلافاصله بعد از امر به حقیقت‌محوری می‌فرمایند: «بد شنیدن از مراجع خیانت است.» همچنین با توجه به صدر حدیث که می‌فرماید: «از رأی نسنجیده پرهیز کن و از سخن‌گویی بی‌فکر دوری کن»، این «حقیقت‌محوری» همراه با عمیق شدن و اجتهاد در مشاوره و همچنین فکر و تأمل کافی است و بدون این قیود رسیدن به حقیقت میسر نخواهد بود.

درباره مشورت‌کننده خود خیرخواهی کامل و خالص نداشته باشد، خداوند رأی و عقلش را سلب نموده و امانت‌داری را از او بگیرد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۳، ص ۲۷۱). در این حدیث، تعبیر نشستن و برخاستن و خوردن و خوابیدن و نماز گزاردن قبل از ارائه راهکار، کنایه از وقت‌گذاری و تأمل کافی و عجله نمودن در آن می‌باشد.

مشاوره‌ای که به ارائه راهکار یا نظری که فاقد پشتوانه علمی است می‌پردازد و یا بدون در نظر گرفتن ابعاد مختلف قضیه، مبادرت به مشاوره می‌نماید، قابل ملامت خواهد بود. گاهی این رأی نسنجیده ناشی از عجله مشاور در ارائه راهکار و سخن‌گویی بی‌فکر و بی‌تأمل است. این امر نیز در سخن ذکر شده امام صادق علیه السلام مورد ملامت واقع شده است. همچنین این امر گاهی از تمایل به کسب رضایت مراجع، به هر نحوی که باشد، ناشی می‌شود؛ درحالی‌که در ادامه همین حدیث می‌فرماید: «از خدا بترس که با دل‌خواه مشورت‌خواه موافقت کنی، که آن نامردی است» (همان). در این حدیث شریف، مشاور را به ارائه مشاوره عمیق، هرچند مخالف با دل‌خواه مراجع، دعوت می‌کند؛ زیرا چه‌بسا مراجع به خاطر عدم علم کافی و یا عدم تعادل روانی کافی و هجوم مشکلات فراوان زندگی و استرس و غیره، خواهان راه‌کاری باشد که از عمق علمی و دینی برخوردار نبوده، یا به صلاح واقعی یا فعلی مراجع نباشد؛ در این صورت است که مشاور اسلامی، مصلحت‌های واقعی مراجع را در نظر گرفته و با ارائه مشاوره‌ای که از پشتوانه عمیقی برخوردار بوده و صلاح مراجع در آن می‌باشد، او را به سوی صلاحش رهنمون می‌سازد.

لازمه عمیق بودن، تفکر عمیق در راه‌های مختلف ممکن برای حل مشکل است. در این صورت است که بنا به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام، این تفکر باعث بصیرت و درک صحیح از امور شده (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۷) و از

#### ۱۴. عدم تبعیض

در نظام اخلاقی اسلام، تفاوت‌های قومی، نژادی، جنسی، زبانی و امثال اینها، هرچند مورد انکار نمی‌باشند، اما معیار برتری افراد به حساب نمی‌آیند. در این دین مقدس معیار برتری افراد تنها در میزان تقوای الهی آنهاست. خداوند به این امر چنین اشاره دارد: «ای مردم، ما شما را از نری و ماده‌ای بیافریدیم و شما را جماعت‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید. هر آینه گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست. خدا دانا و کاردان است» (حجرات: ۱۳). ملاحظه می‌شود که خداوند معیار برتری را جنسیت، قبیله و طایفه بر نمی‌شمارد؛ مواردی که بزرگترین معیار فخر فروشی در دوره جاهلیت به‌شمار می‌آمد. معیار برتری افراد تقوای الهی است. در آخر آیه می‌فرماید: «خدا دانا و کاردان است.» این جمله اشاره به این معنا دارد که اگر خدای تعالی از بین سایر مزایا، «تقوا» را برای کرامت یافتن انسان‌ها برگزید، برای این بود که او با علم و احاطه‌ای که به مصالح بندگان خود دارد، می‌داند که این مزیت، حقیقی و واقعی است؛ نه آن مزایایی که انسان‌ها برای خود مایه کرامت و شرف قرار داده‌اند. مشاور اسلامی نیز با تمسک به این آیه شریفه در نوع برخورد با مراجعان به تفاوت‌های جنسی و قومی و نژادی توجهی نکرده و در نوع پذیرش افراد، بادیة تحقیر یا برتری قومی و جنسی و امثال این‌گونه معیارهای نادرست نگاه نمی‌کند.

#### ۱۵. توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد مراجع

با وجود اینکه خداوند معیار گرامی بودن اشخاص را، قوم و قبیله و رنگ و زبان و... نمی‌داند و تقوای الهی را باعث برتری افراد برمی‌شمارد، اما این امر به معنای عدم توجه به تفاوت‌های فردی به‌منظور درک بهتر شخص و تشخیص

بهینه مسئله او نیست.

خداوند در قرآن کریم در آیه ذکر شده ضمن تأکید به برتری بر حسب تقوا، به تفاوت‌های قومی و فردی برای شناخت اشاره دارد. این امر بدین معناست که تفاوت‌های جنسی و قبیله‌ای و غیره نه تنها نامطلوب نیست، بلکه باعث مکمل بودن همدیگر و شناخت می‌گردد. از این رو، باید قبول کرد که تفاوت‌های منحصر به فرد هر شخص با توجه به جمع برخی مؤلفه‌ها، از جمله جنسیت، فرهنگ، آداب، شخصیت منحصر به فرد و غیره وجود دارد و مشاور باید این امور را در تشخیص و درمان مدنظر قرار دهد؛ هرچند باعث نگاه برتری یا تحقیرآمیز نخواهند گردید.

#### ۱۶. وفای به عهد

وفای به عهد از اموری است که مورد اهتمام شدید دین اسلام بوده و نقطه مقابل آن، یعنی خلف وعده، مورد مؤاخذه می‌باشد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وفای به عهد کنید که بازخواست خواهید شد» (اسراء: ۳۴). همچنین در زمینه لزوم وفای به قراردادهای می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها وفا کنید» (مانده: ۱). وفای به عهد شامل حضور و اتمام به موقع جلسات درمان، تقید به قرارداد درمانی و مشاوره‌ای و هرگونه وعده‌ای که در فرایند مشاوره داده می‌شود، می‌باشد. بدیهی است که قراردادهای نامشروع از اصل باطل بوده و عمل به آنها لازم نمی‌باشد.

#### ۱۷. مدارا با مراجع و نادیده گرفتن اشتباه‌های او

مراجع به‌عنوان شخصی که عموماً با مشکلاتی مواجه است و یا از مرض روانی رنج می‌برد که نیاز به درمان دارد، گاهی ممکن است دچار اشتباه‌هایی شود. این

می‌نمایند که باعث مدارای شخص با مردم می‌شود، باز در صفت سوم به نوعی به این مدارا اشاره می‌کند؛ این امر بر تأکید مدارا با جاهلان دلالت دارد. در صورتی که فرد با جاهلی روبه‌رو شود، مدارا با او سخت‌تر خواهد بود و حتی در صورت داشتن روحیه حسن خلق، این کار سختی زیادتری بر وی تحمیل خواهد کرد؛ از این رو، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در چنین مواقعی، علاوه بر داشتن روحیه خوش خلقی، حلم و بردباری و صبر را نیز یاری‌رسان او برای مدارا با نادانان برمی‌شمارد.

#### ۱۸. تواضع و دوری از تکبر و عجب

تکبر، عجب و خودبینی از اوصاف بسیار ناشایستی است که آدمی را گرفتار غربت و تنهایی می‌کند؛ زیرا هیچ‌کس حاضر به پذیرش او نخواهد بود و یا احترام‌ها محدود به موقعیت اجتماعی گذرای او می‌شود.

تکبر و عجب آن‌قدر در اسلام مورد مذمت است که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام گناه رنج‌آور را بهتر از عمل خیر عجب‌آور می‌داند: «گناهی که تو را آزار دهد (مایه رنج و ناراحتی درونی تو گردد)، نزد خداوند بهتر از کار خوبی است که باعث غرور و عجب تو گردد» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۶).

عجب و تکبر آثار مخرب فراوانی دارد که در سخنان ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام بدان‌ها اشاره گردیده است. از جمله آثاری که در فرایند مشاوره جاری می‌باشد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

محروم شدن از علم و دانش (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۵۳)، سرچشمه گناهان و زشتی‌ها (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۶)، خوارشدن نزد مردم (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۶۰)، نفرت و دوری مردم (همان، ج ۷۰، ص ۲۳۱)، تلف‌کردن خود و امکانات و موقعیت‌ها

اشتباه‌ها ممکن است با عدم رعایت ادب نسبت به مشاور نیز همراه باشد و یا در فرایند درمان مراجع دچار کوتاهی‌های زیادی در عمل به توصیه‌ها و غیره شود. در این هنگام، مشاور نه تنها مقابله به مثل نمی‌کند، بلکه با اخلاق اسلامی از سر تقصیرات او گذشته و یا در برخی موارد خود را به تغافل (نادیده‌گرفتن) می‌زند.

مدارا با مردم و نادیده‌گرفتن اشتباه‌های آنان آن‌قدر در دین مقدس اسلام مهم قلمداد شده است که در برخی مواقع امر به بخشش فوری شده است. از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده است که فرمود: «همانا پدرم علی‌بن‌الحسین عَلَيْهِ السَّلَام دستم را گرفت و گفت: کار نیک انجام بده درباره هر کس که از تو درخواست آن را دارد. اگر شایسته نیکوکاری باشد، کار به جایی کرده‌ای و اگر شایسته نباشد، تو شایسته نیکوکاری هستی. اگر کسی از جانب راست به تو فحش داد و به طرف چپ برگشت و عذرخواهی نمود، عذر او را بپذیر» (همان، ص ۱۴۱).

تعبیر برگشتن به طرف چپ و عذرخواهی بعد از فحش در طرف راست، کنایه از این است که آن‌قدر عذرپذیری مهم است که حتی در لحظاتی که تأثیر این عمل زشت (فحش) بر ما در اوج خود می‌باشد، باز عذر فحش‌دهنده را بپذیرا باشیم.

توصیه به مدارا نسبت به برخی از مراجعان که ممکن است از روی جهل و نادانی گفتار یا حرکاتی انجام دهند، زیادتر است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روایتی می‌فرماید: «سه چیز است که اگر در کسی نباشد کردارش ناتمام است: تقوا و پارسایی‌ای که او را مانع از نافرمانی خدای - عزوجل - شود؛ خویی که به وسیله آن با مردم مدارا کند و بردباری‌ای که به وسیله آن نادانی نادان را برگرداند» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۰۱). رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با وجود اینکه در صفت دوم اشاره به حُسن خلقی

عام آن، خویشن‌داری در برابر هرگونه تمایل افراطی نفسانی است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۹۲) و مفهوم خاص آن، خویشن‌داری در برابر تمایل‌های بی‌بند و بار جنسی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۷۳).

روایات فراوانی بر ضرورت رعایت حیا و عفت در هر دو معنا وارد شده است:

**روایات ناظر به ضرورت رعایت عفت در معنای عام (هرگونه تمایلات افراطی نفسانی):** امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «کسی که از روی مردم شرم و حیا ندارد و خجالت نمی‌کشد، از خداوند نیز ترس و شرم نخواهد داشت» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۸، ص ۳۳۶).

تهاجم فرهنگی از مجرای بی‌شرمی و بی‌حیایی وارد یک فرهنگ و جامعه‌ای می‌گردد و رفته‌رفته پرده‌های حرمت و حیا را برمی‌دارد. در این رابطه، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «هرکس شرم و حیا، او را از معایب و مفاسدش بیوشاند، مردم نیز عیوبات او را نخواهند دید و عیب او از چشم مردم پنهان است» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۰۸).

از این رو، «حیا» از برترین صفت‌های اخلاقی است که شرافت و شخصیت و ایمان آدمی را تضمین نموده، سعادت و خوش‌بختی او را حفظ و پاسداری می‌نماید و اگر کسی حیا نداشته باشد، هلاکت و نابودی او مسلم است.

**آیات ناظر به ضرورت رعایت عفت در معنای خاص (شهوت‌پرستی):** «شهوت‌پرستی» که معنای خاص «حیا» می‌باشد، در طول تاریخ افراد زیادی را به وادی فنا داده است. قرآن کریم بعد از ذکر نام گروهی از پیامبران الهی و صفات برجسته و والای آن بزرگواران، به عاقبت‌به‌شری نوادگان آنان اشاره کرده و می‌فرماید: «سپس کسانی جانشین اینان شدند که نماز را ضایع کرده و پیرو شهوات گردیدند و به زودی به شر خواهند افتاد» (مریم: ۵۹).

(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۱۰)، از دست‌رفتن شیرینی عبادت (عطائی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۰۱) (از جمله عبادت یاری‌رسانی مشاوره)، و پایین آمدن منزلت شخص (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۳۹).

مشاور با توجه به این آثار مخرب غرور و تکبر، متوجه این امر خواهد شد که با غرور و تکبر، نه تنها به اهداف خیالی خود نخواهد رسید، بلکه محبوبیت او نیز زیر سؤال می‌رود. از این‌روست که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «از خود رضایت داشتن، وسیله آشکار شدن زشتی‌ها و عیوب آدمی است» (فلسفی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۸۵). نیز امام باقر علیه السلام غرور را کمرشکن دانسته (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱۲) و امیرالمؤمنین علیه السلام آن را اساس حماقت برمی‌شمارد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۰۹).

سخن در زمینه درمان تکبر فراوان است که مجال این گفتار نیست. آنچه مدنظر است این امر می‌باشد که مشاور اسلامی باید روحیه تکبر را از خود دور کرده و در صورت ابتلای به این آسیب اخلاقی، علاوه بر درمان آن، این امر را به فرایند مشاوره انتقال ندهد.

#### ۱۹. رعایت حیا و عفت و دوری از شهوت‌پرستی

یکی دیگر از فضایل اخلاقی که باید در مشاوره اسلامی مورد اهتمام مشاور و مراجع باشد، رعایت «عفاف» اسلامی و پاک‌دامنی است.

«عفاف» در لغت به معنای بازداری از محرّمات آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۹۲). این واژه در قرآن و احادیث به معنای خودداری از درخواست مالی از مردم (بقره: ۲۷۳) نیز استعمال شده است، ولی بیشترین کاربرد آن در خویشن‌داری از مسائل شهوانی نامشروع است (نور: ۳۳۹). پس «عفت» دارای مفهوم عام و خاص است. مفهوم

اعتماد از آنها به مشاور مراجعه کرده و او را مطمئن قلمداد می‌نماید، با مواجهه با برخی خیانت‌های مشاور، سلب امید او چندین برابر می‌شود. بر مشاور لازم است به اعتماد مراجع پاسخ داده و خیانت نکند؛ زیرا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «هر کس با مسلمانان در مشورت دغلی کند، از او بیزارم» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۲، ص ۹۹).

مشاور از جمله کسانی است که بیشتر در معرض ابتلا به گناهان شهوی قرار دارد. از این رو، همچنان‌که در احادیث ذکر شد، باید با یاد آخرت و تقویت تقوای خود به این امر فایق آید؛ زیرا علاوه بر اعتماد زیاد مراجعان به مشاور و امکان پدیده «انتقال» به او، خلوت‌های زیادی نیز در مشاوره صورت می‌گیرد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هیچ مردی با زنی خلوت نمی‌کند، مگر آنکه شیطان سومین آنان است» (خرم‌شاهی و انصاری، ۱۳۷۶، ص ۴۲۲). مشاور اسلامی با توجه به این نکته که حضور و سوسه‌های شیطان در اتاق مشاوره با مراجع نامحرم بسیار زیاد است، بر هواهای نفسانی خود فایق آمده و به دعوت شیطان پاسخ نخواهد داد.

مشاور اسلامی با رعایت تقوا و عفت اسلامی در هر دو معنای عام و خاص آن، با مصون ماندن از آسیب‌های ذکر شده، محبوب خداوند نیز واقع می‌شود.

## ۲۰. معیار بودن و در نظر گرفتن مصلحت مراجع

مشاور در سراسر مشاوره به این نکته واقف است که هدف و نقش اصلی در مشاوره، مراجع بوده و تمام مسائل اخلاقی برای رعایت حقوق او وضع شده است. از این رو، مصلحت واقعی مراجع در فرایند مشاوره مدنظر مشاور قرار می‌گیرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «با پرهیزگاران که آخرت را بر دنیا، و کارهای شما را بر کارهای خودشان ترجیح

پس عفاف و خودداری از غلبه مسائل شهوانی نامشروع، از واجبات شرعی است که باید مورد اهتمام تمامی مسلمانان قرار گیرد. این امر اعم از نگاه یا لمس نامشروع و یا ارتباط جنسی نامشروع می‌باشد.

**آثار پیروی از شهوت در مشاور و فرایند مشاوره:** مشاور با توجه به آثاری که از شهوت پرستی ناشی می‌شود، تقوای الهی را رعایت نموده و سعادت دنیوی و اخروی خود و مراجع را به خطر نمی‌اندازد. از آثار این آسیب اخلاقی که در روایات بدان‌ها اشاره شده است و در فرایند مشاوره نیز تأثیرهای منفی فراوانی را بر جای می‌گذارد، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- فساد عقل (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۴)؛

- تضعیف شخصیت انسان (همان، ص ۳۰۵)؛

- زمینه ارتکاب دیگر گناهان (فلسفی، ۱۳۷۹، ج ۱،

ص ۲۰۰)؛

- از بین رفتن علم و حکمت (همان، ص ۵۸)؛

- تنفر مراجع و مردم (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۲، ص ۲۸۸).

مشاهده می‌شود که تبعیت از هوای نفس در فرایند

مشاوره چه آثار نامطلوبی به همراه دارد. از این روست که

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «چه بسا ساعتی شهوت‌رانی

موجب اندوه طولانی گردد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۵۱).

**عدم ارتباط جنسی نامشروع با مراجع و زبردستان:** در پی

لزوم رعایت عفاف از سوی مشاور، این امر در عدم

ارتباط جنسی نامشروع که یکی از مصادیق شهوت پرستی

است، به طور خاص مورد توجه قرار می‌گیرد.

مشاور به عنوان شخص امین مورد اعتماد قرار گرفته و

مراجعان او را تکیه‌گاه خود به حساب می‌آورند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «پشتیبانی

همچون مشورت نیست» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص

۴۷۸). مراجعی که چه بسا با قطع امید از اطرافیان و سلب

می دهند و ایثار می کنند، مشورت کنید» (تستری، ۴۲۳، اق، ص ۲۸). مشاور اسلامی هیچ‌گاه با مراجع لجاجت به خرج نمی‌دهد و حتی در صورت به حق بودن مشاور، اوست که این مرء و لجاجت را پایان می‌دهد؛ تا اینکه از ضررهای ذکر شده و دیگر آثار زیان‌بار جدال محفوظ بمانند.

## ۲۱. دوری از لجاجت و بحث‌های بی‌ثمر با مراجع

با توجه به آنچه در حق آزادی مراجع، بخصوص آزادی در انتخاب راه کارهای درمانی مدنظر است، مشاور باید فقط به عنوان راهگشا و راهنما بوده و تحمیلی بر مراجع نداشته باشد. از این رو، در صورتی که مراجع با به کار بستن راه کاری از راه‌های درمانی ارائه شده موافق نباشد و مشاور نتواند با دلایل عقلی و عاطفی او را متقاعد سازد، این مراجع است که تصمیم‌گیرنده نهایی بوده و مشاور حق هیچ‌گونه تحمیلی بر وی ندارد. از این روست که نباید با مراجع «لجاجت» داشت. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «رأیی برای لجوج نیست» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۶۴). یعنی لجوج نمی‌تواند صاحب رأی باشد. از این رو، مشاور اسلامی نباید لجاجت به خرج دهد که ثمره‌ای جز پشیمانی نخواهد داشت: «اما ثمره لجاجت پشیمانی است» (کراچکی، ۱۳۹۴م، ص ۴۵).

لجاجت رابطه تنگاتنگی با «مرء» دارد. مرء به معنای جدال و بحث‌های بی‌ثمری است که از روی لجاجت بوده، و نتیجه‌ای جز کینه به دنبال ندارد.

**پیامدهای لجاجت و مرء (جدال) با مراجع:** لجاجت و مرء آثار زیان‌بار زیادی دارند. اما آثاری که در مشاوره نمود بیشتری دارند، به صورت خلاصه به قرار زیر است:

- ایجاد دشمنی با مراجع؛

- افتادن در اشتباه و خطا؛

- دور شدن از حق؛

- ضرر در کارها و نابودی آنها (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۶۴).

## ۲۲. ارجاع مراجع در صورت عدم توانایی در ارائه

### خدمات لازم

یکی از اصول اخلاقی مهم در مشاوره، این است که مشاور در صورت عدم توانایی در ارائه مشاوره، مراجع را به مشاور دیگری ارجاع دهد.

امام سجاد علیه السلام در شمارش حق مراجع بر مشاور چنین می‌فرماید: «و اما حق کسی که با تو مشورت می‌کند این است که اگر فکر خوبی برایش داری، در خیرخواهی و نصیحت او بکوشی و بر آن راهنمایی کنی؛ ... و اگر برایش هیچ فکری به ذهنت نرسید، ولی شخص دیگری را می‌شناسی که به فکرش اعتماد داری و برای خود می‌پسندی، باید او را به وی راهنمایی و ارشاد کنی؛ در نتیجه، تو با این طرز رفتار نه درباره‌اش کوتاهی کرده‌ای و نه هیچ راهنمایی را از او دریغ داشته‌ای» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۱، ص ۱۸). امام سجاد علیه السلام بدین نکته توجه دارد که در صورت ارجاع مراجع به مشاور دیگر، گویی خود به راهنمایی او پرداخته‌ای، و این امر را مکمل مشاوره و راهنمایی مشاور می‌داند. همچنین مشاوری که قصد ارجاع به اوست، باید مورد وثوق باشد.

دلایل این عدم توانایی می‌تواند متعدد باشد؛ از عدم علم کافی مشاور در زمینه مورد مشاوره، و کمبود تجربه مشاور در آن زمینه گرفته، تا محدودیت زمانی برای شروع و اتمام مشاوره و محدودیت‌های دیگری که امکان دارد در مشاوره‌های مختلف پیش آید. آنچه مهم است، اینکه

ذکر جایگزین آن کار ناشایست، می‌فرماید: «خدا آمرزنده مهربان است»؛ یعنی با ارائه آگاهی در مورد جایگزین آن عمل زشتان، با عمل به این کار جدید مطلوب، خداوند از کار گذشته شما درمی‌گذرد.

خداوند در آیات دیگری نیز جاهلان و نابکاران را افراد ناآگاه معرفی می‌کند (اعراف: ۱۷۹). همچنین خداوند ارائه آگاهی را در نوع کار آن قدر مهم می‌داند که گاهی منجر به اعمال نیکویی می‌شود. حال آنکه در صورت عدم آگاهی لازم، منجر به عملی برخلاف آن عمل ناشی از آگاهی می‌گردد.

مشاور هم باید نسبت به ارائه آگاهی‌های جزئی و کلی در شروع و فرایند مشاوره اهتمام داشته باشد. این آگاهی‌ها از چگونگی روند مشاوره و درمان گرفته، تا آگاهی‌های لازم برای تغییر و نوع رفتار و آزمون‌ها و غیره را دربر می‌گیرد. ارائه این آگاهی‌ها به کارآموزان و دانشجویان نیز مورد اهتمام می‌باشد.

#### ۲۵. رابطه با خانواده مراجع

خانواده در نظام اسلامی از جایگاه بسیار بزرگی برخوردار است؛ به گونه‌ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دواج را احراز نصف دین برشمرده (شعیری، ۱۴۰۵ق، ص ۱۰۱) و محبوب‌ترین کار نزد خداوند برمی‌شمارد: «هیچ بنایی در اسلام نزد خداوند متعال محبوب‌تر از بنای تزویج (تشکیل خانواده) نیست» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۳). محبت به فرزندان نیز در نظام اسلامی عین عبادت تلقی می‌شود (همان، ج ۲، ص ۴۸).

در چگونگی رابطه با خانواده مراجع از سوی مشاور، می‌توان به سه امر مهم اشاره داشت:

**الف. درگیر ساختن خانواده در فرایند درمان:** مشاور اسلامی با توجه به این جایگاه خانواده، در فرایند درمان بر اثر

مشاور باید به محض تشخیص عدم توانایی ارائه خدمات به مراجع، به صورت فوری او را به مشاور دیگر ارجاع دهد.

#### ۲۳. عدم سوءاستفاده از موقعیت حرفه‌ای خود و

##### عدم سوءاستفاده از مراجع

دانستیم که یکی از صفات بارز برای مشاوره، «امین» بودن مشاور است. او با توجه به این نکته و با توجه به احاطه عاطفی و اجتماعی خود بر مراجع، از کارهایی که خلاف امانت‌داری و تقواست، دوری می‌جوید. از جمله این کارها، سوءاستفاده از مراجع در کارهای غیر شرعی است. امام سجاد علیه السلام در نامه‌ای به برخی از اصحاب خود و شمارش حقوق دیگران، چنین می‌فرماید: «او را نه برای نافرمانی خدا، اسلحه خود بساز و نه برای ستم به خلق خدا کمک خویش بگردان» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۶۸).

#### ۲۴. ارائه آگاهی‌های لازم به مراجع، کارآموزان و

##### زیردستان

اسلام، به ارائه آگاهی اهمیت فراوانی داده و ریشه بسیاری از مسائل و رفتارها را در آگاهی یا ناآگاهی می‌داند. چنان‌که خداوند می‌فرماید: «آنهايي که از آن سوی حجره‌ها ندایت می‌دهند، بیشترشان ناآگاهند» (حجرات: ۴). این آیه اشاره به کسانی است که وقت و بی‌وقت، پشت در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند و فریاد می‌زدند: «ای محمد، ای محمد، بیرون بیا (با تو کار داریم)». خداوند این کار بی‌دبانه آنان را ناشی از ناآگاهی آنان به مقام پیامبر و لزوم رعایت ادب در برابر او می‌داند؛ از این رو، در آیه بعدی به ارائه آگاهی لازم در مورد جایگزین این امر ناپسند اقدام می‌کند: «اگر صبر می‌کردند تا تو (پیامبر) خود بیرون می‌آمدی و نزد آنها می‌رفتی، برایشان بهتر می‌بود و خدا آمرزنده مهربان است» (حجرات: ۵). خداوند بعد از



اصلاح به کار بندد؛ و در این صورت است که خداوند در ادامه آیه وعده نصرت می‌دهد. همچنین به کسانی که قصد آشتی دارند، هشدار می‌دهد که حسن نیت به خرج دهند که خداوند به نیت‌ها و کارهای آنان دانا و آگاه است.

ج. رعایت رازداری یک عضو از خانواده نسبت به دیگر اعضای آن: مشاور باید توجه داشته باشد که اصل مهم رازداری در میان اعضای خانواده نیز صدق می‌کند و صرف اینکه کسی از اعضای خانواده مراجع باشد، افشای راز مراجع را مجاز نمی‌سازد. چون پیش‌تر ادله لزوم رازداری به صورت مفصل بحث شد، برای رعایت اختصار، این مسئله مورد بررسی مجدد و بیشتر قرار نمی‌گیرد.

#### ۲۶. الگو بودن برای مراجع

مشاور به عنوان پناهگاه مراجع و حل‌ال مشکلات او و نیز به عنوان راهبر مشاوره‌های گروهی، خودآگاه یا ناخودآگاه در معرض الگوگیری مراجعان قرار می‌گیرد. در این هنگام است که مشاور خودساخته می‌تواند به عنوان الگویی از مسلمان واقعی، برای ایجاد امید در مراجع و رساندن او به سرمنزل مقصود الهی گام بردارد و مصداق این آیه گردد: «هر کس که به شخصی حیات بخشد، همچون کسی است که همه مردم را حیات بخشیده است» (مائده: ۳۲).

الگوگیری عملی آن قدر مهم است که با وجود ارشاد لفظی فراوان مردم توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، باز خداوند به این نکته تأکید دارد که «پیامبر خدا برای شما الگوی پسندیده‌ای است» (احزاب: ۲۱).

آری، تقوا، کوشش، نماز، فعالیت‌های شخص و هر عمل خیری که باعث جذب مردم به دین اسلام و مسلمانان می‌گردد، ضروری است و جذبه این امور با دعوت بدون عمل، نه تنها کم بوده، بلکه در برخی مواقع

قطعی اعضای خانواده بر دیگر اعضا، مسائل و مشکلات و بر درمان آن واقف است. از این رو، در صورت لزوم، اعضای خانواده را در فرایند درمان درگیر می‌سازد.

ب. عدم توصیه به طلاق مگر در موارد بسیار استثنایی: امر دیگر مهمی که باید مشاور در رابطه با خانواده مراجع، بدان اهتمام ورزد، عدم توصیه به طلاق است. گاهی مراجعان در وصف نابسامانی‌های زندگی خود زیاده‌روی کرده و در مذمت همسر و زندگی، مشاور را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این هنگام است که چنین زندگانی در نظر مشاور که حق مدار نیست، غیرقابل تحمل تلقی می‌شود. در چنین موقعیت‌هایی مشاور اسلامی، نسبت به ایجاد امید در مراجع و برجسته‌سازی نکات قوت زندگی‌اش مبادرت می‌ورزد و یا دست‌کم این امر را در نظر می‌گیرد که حق توصیه به طلاق ندارد.

در مکتب اسلام آن قدر طلاق زشت و نابجا شمرده می‌شود که امام صادق علیه السلام با وجود اشاره به حلال بودن آن در مواقع بسیار استثنایی، می‌فرماید: «هیچ عملی که خداوند آن را حلال شمرده است، نزد او مبعوض‌تر از طلاق نیست» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۴).

خداوند در قرآن کریم، هنگام اختلاف شدید زن و شوهر هم توصیه به طلاق نمی‌کند و میانجی‌گری را دستور کار قرار می‌دهد: «اگر از اختلاف میان زن و شوهری آگاه شدید، داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن برگزینید. اگر آن دو قصد اصلاح داشته باشند، خدا میانشان موافقت پدید می‌آورد، که خدا دانا و آگاه است» (تستری، ۱۴۲۳ق، ص ۲۸). مشاور اسلامی که در اختلاف زن و شوهر، نقش میانجی‌گری ذکر شده در این آیه را ایفا می‌کند، باید به امر خداوند که می‌فرماید: «اگر اراده اصلاح کنند»، توجه کرده و نهایت تلاش خود را بر

و غیره، نیازمند تعاملی همچون تعامل مشاوره‌ای و اخلاق‌هایی همچون اخلاق مشاوره‌ای هستند، از این رو، بر مشاور لازم است در انتخاب همکاران و کارکنان دقت لازم را مبذول داشته و با توجه به لزوم در نظر گرفتن مصالح مراجع که بدان اشاره گردید، در این انتخاب نیز نهایت دقت را داشته باشد و معیارهای اخلاقی و الهی را مدنظر قرار دهد.

### نتیجه‌گیری

با وجود اهتمام اسلام به مشاوره و جایگاه والای مشاور در اسلام، امر در هر مشاوره‌ای جاری نبوده و رعایت مسائل اخلاقی معلومی در این زمینه لازم است؛ بیش‌ترین این مسائل در رابطه مشاور با مراجع مطرح است؛ تکریم و احترام مراجع و خوش‌گفتاری و خوش‌برخوردی با او از جمله این مسائل است. همچنین در اسلام توجه کامل به مراجع و لزوم درک او مورد توجه است؛ این امر با توجه به او و با تمام وجود و درک مشکل و موقعیت مالی او محقق می‌شود. مشاور باید به اختیار مراجع احترام گذارد و نیز اگر نسبت به مراجعی کینه و دشمنی داشته باشد، از مشاوره با او اجتناب نماید. خیانت نکردن به مراجع از دیگر مسائل اخلاقی است که حفظ اسرار مراجع، ارائه راهکار مطابق با واقع و مصلحت مراجع و عدم اخذ حق‌الزحمه بیشتر از مصادیق این امر هستند.

نصیحت و خیرخواهی، ایجاد و حفظ شادابی در مشاوره و جرئت و عدم ترس در ارائه راه‌کارهای درمانی از دیگر مسائل هستند. مشاور اسلامی باید مشاوره‌اش را به صورت عمیق ارائه دهد و به جای تبعیت از هوای نفس خود با مراجع، حق‌مدار باشد.

مشاور در عین نگاه نکردن تبعیض‌آمیز به مراجعان، به ویژگی‌های منحصر به فرد آنها در تشخیص و درمان اهمیت

اثر معکوسی هم به‌جا خواهد گذاشت. مشاور اسلامی هم باید الگوی واقعی مسلمان و یاری‌رسان بوده و این امر را در مرحله عمل نیز نشان دهد.

### ۲۷. عدم انتقال نارسایی‌های شخصی خود به

#### مراجعان و زیردستان

مشاور به‌عنوان یک انسان، ممکن است در زندگی شخصی خود دچار مشکلات و نارسایی‌های موقت یا دایمی گردد. بدیهی است که این امر و نیازمندی به اخذ مشاوره از دیگر متخصصان برای حل و فصل آن مشکلات در این‌گونه مواقع طبیعی می‌باشد.

اما آنچه مشاور در ابتدای امر و در رابطه با مراجع و زیردستان بدان توجه دارد، این امر می‌باشد که نباید مسائل و مشکلات شخصی خود را به فرایند درمان و مشاوره انتقال داده و از فرصت مشاوره برای درمان مسائل روانی خود بهره‌جوید و یا در رفتار و گفتار خود با مراجع و زیردستان به خالی کردن عقده‌های خود اقدام ورزد، بلکه باید مصالح مراجع را بر مصالح خود مقدم دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «با پرهیزگاران که آخرت را بر دنیا، و کارهای شما را بر کارهای خودشان ترجیح می‌دهند و ایثار می‌کنند، مشورت کنید.»

ملاحظه می‌شود که علاوه بر شرط ترجیح آخرت بر دنیای مراجع، کارهای مراجع را بر کارهای خود ترجیح دادن، یکی دیگر از آثار تقوای الهی بر شمرده شده است.

### ۲۸. انتخاب کارکنان و همکاران با صلاحیت برای

#### ارائه خدمات مشاوره‌ای

با توجه به اینکه همکاران و کارکنان مراکز مشاوره نیز در نوع برخورد با مراجعان (بخصوص در برخوردهای اولیه)، رازداری نسبت به پرونده درمانی آنها، آزمون‌گیری

حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت.

حسینیان، سیمین (۱۳۸۷)، *اخلاق در مشاوره و روان‌شناسی*، تهران، کمال تربیت.

خرمشاهی، بهاء‌الدین و مسعود انصاری (۱۳۷۶)، *پیام پیامبر*، تهران، منفرد.

راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۴۱۶ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالشامیه.

شعیری، تاج‌الدین (۱۴۰۵ق)، *جامع‌الخبار*، قم، شریف رضی.

صدوق، محمدبن علی (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.

— (۱۴۰۰ق)، *الامالی*، بیروت، اعلمی.

— (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین.

طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲)، *مجمع‌البحرین*، تهران، مرتضوی.

عروسی حویزی، عبدعلی (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نورالثقلین*، قم، اسماعیلیان.

عطائی، محمدرضا (۱۳۶۹)، *مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام*، مشهد، آستان قدس رضوی.

فراهیدی، خلیل‌بن احمد (۱۴۱۰ق)، *کتاب‌العین*، قم، هجرت.

فراهیدی، یذالله (۱۳۸۶)، *اخلاق حرفه‌ای در بهداشت روان*، تهران، اطلاعات.

فقیهی، علی‌نقی (۱۳۸۷)، *مشاوره در آینه علم و دین*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

فلسفی، محمدتقی (۱۳۷۹)، *الحديث - روایات تربیتی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

کراچکی، ابوالفتح (۱۳۹۴م)، *معدن‌الجواهر*، تهران، مرتضوی.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

گودرزی، علی محمد (۱۳۷۹)، *اخلاق روان‌شناسی (اصول اخلاقی روان‌شناسان انجمن روان‌شناسی آمریکا)*، تهران، رسا.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه‌الوفاء.

مفید، محمدبن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، *امالی*، قم، کنگره شیخ مفید.

نوری، میرزاحسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک‌الوسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.

می‌دهد. به عهد و قول و قرارهایش پایبند بوده، در عین حال، اشتباهات مراجع را نادیده می‌انگارد و از بحث‌های بی‌ثمر با او پرهیز می‌کند و نسبت به او تواضع دارد.

رعایت عفاف و دوری از شهوت‌پرستی از دیگر مسائل مهمی است که در رابطه با مراجع رعایت می‌نماید.

در صورت عدم توانایی در مشاوره، مراجع را به مشاور دیگری ارجاع می‌دهد و از موقعیت خود سوءاستفاده نمی‌کند. مشاور اسلامی در ارائه آگاهی‌های لازم به مراجع کوتاهی نمی‌کند. ارتباط اصولی با خانواده مراجع از دیگر مسائل مهم در این زمینه است که رعایت رازداری و عدم توصیه به طلاق از این موارد است.

مشاور به‌عنوان الگوی مراجع خواهد بود و نارسایی‌های شخصی خود را به مراجع و جلسه مشاوره انتقال نخواهد داد. مشاور در انتخاب همکاران مراکز مشاوره نیز دقت لازم را به عمل خواهد آورد.

#### منابع

*نهج‌الفصاحة* (۱۳۸۲)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، دنیای دانش.

*نهج‌البلاغه* (۱۴۱۴ق)، قم، دارالهجره.

ابن‌فارس، احمدبن (۱۳۸۷)، *ترتیب مقایس‌اللغة*، قم، زیتون.

ابن‌منظور، محمدبن مکرم (۱۳۰۰ق)، *لسان‌العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

احمدی، خدابخش و فریبا آقاجان پورچمنی (۱۳۸۷)، *مباحث اخلاقی در مشاوره و روان‌درمانی*، تهران، دانژه.

پناهی، علی‌احمد، «نگاهی به ویژگی‌های مشاور در آموزه‌های اسلامی» (۱۳۸۷)، *زالال‌هدایت*، ش ۲، ص ۳۸-۲۸.

تستری، ابو محمد سهل‌بن عبدالله (۱۴۲۳ق)، *تفسیر التستری*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۳۶۶)، *غررالحکم و دررالكلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.